

يك بحث قضائی راجع به تابعیت

گرچه دخول به تابعیت دولت شاهنشاهی ایران در قانون مدنی فصل مخصوصی دارد که با مراجعه بان فصل شرایط و تشریفات قبول تابعیت افراد خارجی مشخص بوده و احتیاج به بحث در این مقاله ندارد ولی چون در ماده ۹۸۳ قانون مدنی تصریح شده است که :

پس از تصویب هیئت وزیران سند تابعیت برای متقاضی صادر میشود باید دید که تابعیت از روز صدور تصویبنامه هیئت وزیران محقق خواهد شد یا از روز صدور سند تابعیت . چه ممکن است از تاریخ صدور تصویبنامه هیئت وزراء تا صدور سند تابعیت فاصله پیدا شود که از نظر حقوقی برای دادگاهها اشکالاتی را تولید نموده و رسیدگی به تحقق تابعیت را ایجاب نماید. موضوع بحث این مقاله همین نکته است :

مقدمه لازم است سوابق تاریخی و بعداً عقاید مختلفی را که تا کنون نسبت به این قضیه اظهار شده است بررسی نمود .

درازمینه گذشته رویه و عمل کشورها برای قبول تابعیت متفاوت بوده و در کشورهای روم و یونان و مصر و فرانسه و هند و ایران به ترتیبی که ذیلاً ذکر میشود رفتار می شده است :

در یونان - علاقه به تجارت یونانیان را مجبور به برقراری رابطه تجاری با کشورهای دیگر مینمود و ورود دائمی بازرگانان به کشور یونان و اقامت موقت و دائمی آنها ملازمه با آن داشت که پاره از حقوق مربوط به افراد یونانی برای آنها قبول و شناخته شود .

کشور یونان نسبت به کسانی که با دولت متبوعه آنان معاهدهای امضاء نموده بود بعضی حقوق را رعایت مینمود از قبیل حق طرح دعوی در محاکم یونان و ازدواج و داشتن مال غیر منقول نسبت به دسته دیگر که در یونان اقامت داشته اند ولی بین دولت متبوعه آنها با یونان عهدنامه ای وجود نداشت پس از آنکه رسیدگی بوضعیت این قبیل اشخاص میشد اجازه توقف صادر میگردد و کسانی که تابعیت مشخص و معینی نداشته و یا فاقد تمدن بنظر میرسیدند نسبت بانها با حسن سلوک رفتار نمیشد و حتی بعضاً اقدام باخراج آنها از کشور یونان میگردد .

و با احتمال اینکه مبدا اختلاط و امتزاج خارجیان روح سلحشوری یونانیان را تضعیف نماید از قبول تابعیت خودداری میشد مگر وقتی که خدمات داوطلب در معرض افکار عمومی واقع گردد و آراء عمومی در حد نصاب معینی برفع داوطلب پست آید .

و خلاصه صداقت و لیاقت او بشبوت برسد و در عین حال نامبرده تعهد کند که

يك بحث قضائی راجع به تابعیت

اموال خود را بیونان منتقل نموده و بِنفع خارجی وصیت نکند و پس از حصول این شرائط چنین شخصی را یونانی محسوب و واجد حقوق ملی خود میدانستند.

رومیان در اثر فتوحات و تسلط بممالک دیگر که دارای افرادی از نژادهای مختلف بوده و عقیده و زبان آنها با یکدیگر اختلاف داشته است ناچار شدند برای افراد و ممالک مغلوبه با رعایت نژاد و قرب و بعد مسافت با خاک روم حقوق و امتیازاتی قائل شوند.

این قبیل حقوق برای ملل مغلوب یکسان نبوده است - مثلاً با آنکه حق مالکیت را برای اهالی هر محل میشناختند بردگان که از طرف مالکین آزاد میشدند از این حق محروم بودند فقط مختصر حقوقی برای آنها قبول میشد ولی برای مهاجرین هیچگونه حقی قائل نبوده‌اند و قبول تابعیت افراد ملل دیگر بیکی از سه طریق ممکن و عملی میگردید :

اول آنکه داوطلب به نفع ملت روم خدمات مهمی انجام داده و مراتب به مجلس ملی پیشنهاد و مورد تصویب واقع شده باشد .

دوم در صورت اتفاق آرای قبائل که در مدت ۲ ماه اخذ رأی بعمل میآمد با قید آنکه داوطلب حق حمل سلاح و ورود بخدمات نظامی را نداشته باشد.

سوم در صورتیکه مرد رومی در موقع ازدواج دچار اشتباه شده و بتصور آنکه با زن رومی وصلت میکند از نژاد دیگر ازدواج کرده باشد.

در این مورد پس از ثبوت اشتباه زن و فرزندان از بطن او در عداد ملت روم محسوب میشده‌اند.

مصر قدیم - نسبت بافراد خارج از مذهب یهود ارفاقی نداشت و اجازه نمیداد که بیگانگان در امور داخلی مصر مداخله کنند و حتی خارجیان غیر یهود با دیگران معاشرت نمایند و از حقوقی که مختص بیهودیان میباشد استفاده کنند.

در هندوستان - افراد خارج از مذهب را بیگانه میدانستند و برای آنان حقی قائل نبودند و قانون معروف بمائو تفاوت زیادی بین مذهب بودا و برهمن قائل بود و بموجب همین قانون بودائیها که جزو اقلیت مذهبی بودند از حقوقیکه برای برهمنها ایجاد شده بود استفاده میکردند.

در فرانسه - در باب تابعیت و برقراری حقوق خارجیان فرامین و قوانین وضع گردید و بسلاطین فرانسه حق قبول تابعیت فردی و یا دسته جمعی خارجیها داده شد و لوئی چهاردهم پادشاه فرانسه با استفاده از این اختیار استادان و کارگرانی را که مدت ده سال در کارخانه کوبلن اشتغال داشتند بملیت فرانسه پذیرفت.

نیز در سال ۱۵۵۰ میلادی بموجب فرمان شاه بازرگانان کلیمی کشور پرتغال فرانسوی شناخته شدند و در موارد افرادی که ترك تابعیت فرانسه را نموده و پس از مدتی به کشور خود مراجعت و ملیت سابق خود را اثبات مینمودند سلاطین فرانسه بموجب فرمانی ملیت فرانسوی آنها را اعلام مینمودند و باین اشخاص اجازه میدادند از حقوق ملی افراد فرانسه از زمان تولد خود مستفید گردند.

يك بحث قضائی راجع به تابعیت

در کشور ایران - در دوران قبل از اسلام نسبت به خارجیان از هر نژاد مهربانی مینمودند و مذاهب مختلف را با دیده احترام مینگریستند و خوشرفتاری ایرانیان قدیم بعدی بوده که در کتاب توراة پادشاهان ایران به نیکی یاد شده اند یکی از مورخین فرانسوی دوره ساسانیان را از ادوار مهم تاریخ ایران شمرده و امپراطور روم نیز بشاپورا اول شرحی بدین مضمون نوشته است :

« از پادشاه ایران بعلت خوشرفتاری که در مورد افراد روم شده است

سپاسگزاری میکنم . »

وضع حقوق در ایران قدیم طبقاتی و خدشات سیاسی و نظامی مخصوص نژاد اصیل ایرانی بوده است اما خارجیان نیز بعنوان استخدام پذیرفته میشده اند .

ولی بعد از سوخ دین مبین اسلام بمضمون آیه کریمه « ان اکرمکم عندالله

اتقاکم » استیازات طبقاتی و نژادی و ملیت از بین رفت و هر مسلمانی قطع نظر از نژاد و ملیت و رنگ و غیره تابع حکومت اسلام شناخته میشد و برعکس فرد غیر مسلم در هر شرائطی بیگانه محسوب میگردد . لذا در ایران تا قبل از تدوین قانون اساسی و قوانین مدنی و قوانین دیگر در صورتیکه بین افراد غیر مسلم اختلافی ایجاد میشد رفع آن اختلاف با مراجع مذهبی خود آنان بوده ولی هر گاه یکی از طرفین اختلاف مسلمان بود حل اختلاف با مراجع شرعی اسلامی بود و پس از ایجاد دادگستری کلیه اتباع ایران از هر نژاد و مذهب و همچنین اتباع خارجه مقیم ایران موظف شدند که دعاوی خود را بمراجع قضائی مراجعه نمایند در سال ۱۳۱۲ رعایت احوالات شخصیه سکنه ایران غیر شیعه (از قبیل یهودی - و مسیحی و زرتشتی) لازم و احکام و عادات و قواعد مسلم و متداوله در مذهب آنان رسماً قابل اجرا شناخته شد .

بطوریکه در مقدمه اشاره شد راجع به شروع تابعیت دو عقیده مخالف وجود دارد :

عده ای میگویند بموجب ماده ۹۸۳ قانون مدنی تاریخ تصویب هیئت وزیران

روز شروع تابعیت است زیرا شرط اصلی تابعیت متقاضی تصمصیم هیئت وزرا است و همینکه تصویب نامه دائر بقبول پیشنهاد وزارت خارجه صدور ملیت ایرانی به تبعه خارجی اعطاء شده محسوب میشود .

بعلاوه موضوع دخول به تابعیت یکنوع عقدی است که احتیاج به ایجاب و قبول

دارد و ایجاب بوسیله تقاضای شخص خارجی بعمل میآید و قبول این عقد وسیله تصویب هیئت دولت محقق میشود و با قبول هیئت دولت ارکان عقد تکمیل میگردد و بمجرد کامل شدن عقد آثار قانونی آن که عبارت باشد از دارا شدن حقوق و تکالیف مقرر در قوانین برای افراد ایرانی تحقق مییابد و سند تابعیت فقط مشتمل بر اخبار اعطاء حق خواهد بود .

دسته دیگر معتقدند که :

اولاً - دخول بتابعیت در ردیف عقود نیست زیرا انواع عقود در قوانین جاریه

بطور انحصار معین گردیده و ابواب و فصول خاصی در قانون مدنی دارد و در هیچیک از ابواب دخول بتابعیت جزو عقود بشمار نیامده است .

يك بحث قضایی راجع به تابعیت

ثانیاً - با فرض آنکه عقد تلقی شود چون تقاضای دخول به تابعیت باید بوزارت خارجه تسلیم گردد پس وزارت خارجه طرف این ایجاب میباشد که قبول آنرا بوسیله تنظیم و تسلیم سند تابعیت اعلام میدارد و بهمین جهت در ماده ۹۸۳ قانون مدنی مقرر شده است که پس از صدور تصویب نامه هیئت وزیران وزارت امور خارجه بمتقاضی باید سند تابعیت بدهد چون عقد مزبور با صدور سند تابعیت کامل میگردد لذا از این تاریخ عقد واقع و تابعیت ایرانی متقاضی محقق میگردد.

ثالثاً - بموجب ماده ۴ از نظامنامه مصوبه سال ۱۳۱۴ که باستناد ماده ۹۹۱ قانون مدنی بتصویب رسیده صدور شناسنامه از طرف مأمورین سجل احوال موکول به مشاهده سند تابعیت گردیده نه تصویبنامه هیئت وزیران.

رابعاً - ذیل ماده ۹۸۳ از قانون مدنی تصریح دارد بر اینکه هیئت وزرا پس از دریافت پیشنهاد وزارت خارجه نسبت برد یا قبول آن اتخاذ تصمیم مینماید و از ملاحظه این ماده بخوبی استنباط میشود که تصمیم هیئت وزراء مبنی بر قبول تقاضا صرفاً مجوز صدور سند تابعیت محسوب است.

خامساً - در موارد دیگر قانون مدنی از جمله ماده ۹۸۱ و ۹۸۲ و ۹۸۴ تاریخ صدور سند تابعیت مبنای حقوق و تکالیف خاصه ای قرار داده شده و معلوم است که از روز صدور سند مرقوم آثار مترتبه بتابعیت ایران برای متقاضی ظاهر میشود نه تاریخ ماقبل آن که روز صدور تصویبنامه هیئت وزیران بوده و قانون نسبت بان ساکت است.

نظریه :

گرچه در خصوص مورد غیر از مندرجات کتاب بین الملل خصوصی تقریر جناب آقای دکتر محمد نصیری که در صفحه ۶۳ ذکر شده و عیناً نقل میشود :

« در این موضوع نص خاصی در قانون ایران مشاهده نمیشود بنظر ما مبدا آثار پذیرش به تابعیت ایران اصولاً از همان تاریخ صدور سند تابعیت میباشد و... »
نوشته دیگری ملاحظه نگردید تا با ذکر ادله و اسناد کافی اظهار نظر بشود.

بعقیده اینجانب و به قاعده استصحاب تاموقعی که از طرف وزارت امور خارجه سند تابعیت صادر نشود نمیتوان فرد خارجی را تابع ایران دانست زیرا تصمیم هیئت وزیران در عدد اسناد ضروری بمنظور صدور سند تابعیت می باشد بنابراین نظریه دست دوم با موازین قانونی نزدیکتر بوده و بر عقیده دست اول رجحان دارد.